

عباس عبدی

مقدمه‌ای بر پژوهش در

جامعه‌شناسی خانواده

در ایران



سرشناسه: عیدی، عباس، ۱۳۳۵ -
عنوان و پدیدآور: مقدمه‌ای بر پژوهش در جامعه‌شناسی خانواده در ایران/
عباس عیدی،
مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۱۴۶ ص.
شابک: 978-964-185-340-4
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
رده‌بندی کنگره: HQ۶۶۶/۴ م ۷ ۱۳۹۳
رده‌بندی دیویی: ۳۰۶/۸۵۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۶۰۰۳۶

نشر

مقدمه‌ای بر پژوهش در جامعه‌شناسی
خانواده در ایران
عباس عیدی

چاپ اول تهران، ۱۳۹۳
تعداد ۱۰۰۰ نسخه
قیمت ۸۶۰۰ تومان
لیتوگرافی باختر
چاپ و صحافی طیف‌نگار
ناظر چاپ بهمن سراج

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،
به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)
بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۴ ۳۴۰ ۱۸۵ ۹۶۴ ۹۷۸

www.nashreny.com

فهرست مطالب

۱۱	 مقدمه
۱۷	 بخش اول. نهاد خانواده و تلاش برای آن
۱۸	 تعریف خانواده
۲۰	 خانواده در جوامع ماقبل صنعت
۲۹	 خانواده در جوامع صنعتی
۲۹	 تغییرات ساختاری و کارکردی
۳۹	 تفکیک نقش‌ها در خانواده هسته‌ای
۴۲	 رابطه خانواده و نهادهای دیگر
۴۴	 ثبات و ناپایداری در خانواده هسته‌ای
۵۱	 بخش دوم. خانواده موجود
۵۱	 ساختار
۵۶	 ابعاد
۵۹	 اشتغال و اقتصاد زنان
۶۲	 ماهیت ازدواج و روابط جنسی
۶۳	 طلاق

۸ مقدمه‌ای بر پژوهش در جامعه‌شناسی خانواده در ایران

روابط درونی و بیرونی.....	۶۵
نظام‌های حمایتی.....	۷۱
شکل‌های جایگزین آینده خانواده.....	۷۲

بخش سوم. خانواده در ایران..... ۷۷

۱. اختار خانواده.....	۷۷
۲. ابعاد خانواده.....	۸۵
۳. ازدواج.....	۸۹
۴. طلاق.....	۹۲
۵. روابط خواهرخواندگی و غیرخواهرخواندگی.....	۹۶
۶. نگرش‌ها و ارزش‌های جنسیتی.....	۹۸
۷. اشتغال زنان.....	۱۰۵
۸. روابط درونی خانواده.....	۱۱۰
۹. جایگزینی نظام‌های حمایتی.....	۱۱۴
۱۰. رضایت از زندگی.....	۱۱۴
۱۱. نوميکاني و تحرک جغرافيايي.....	۱۱۵
۱۲. سنت‌ها و مراسم خانوادگی.....	۱۱۶
۱۳. شکاف واقعیت و حقوق.....	۱۱۷
۱۴. چندهمسری.....	۱۱۸
۱۵. ریشه‌های ثبات و ناپایداری در خانواده.....	۱۲۰
۱۶. نقش مذهب.....	۱۲۴
۱۷. شکاف نسلی.....	۱۲۶

بخش چهارم. عناصر پژوهش در خانواده..... ۱۲۹

۱. ساختار خانواده.....	۱۳۰
۲. ساختار اقتصادی.....	۱۳۱
۳. ابعاد خانواده.....	۱۳۲

۴. ازدواج.....	۱۳۲
۵. طلاق.....	۱۳۳
۶. روابط خویشاوندی و غیرخویشاوندی.....	۱۳۴
۷. نگرش‌ها و نقش‌های جنسیتی.....	۱۳۵
۸. اشتغال زنان.....	۱۳۶
۹. روابط درونی خانواده.....	۱۳۷
۱. نظام حمایتی در خانواده.....	۱۳۸
۱۱. نظام تبیتی فرزندان.....	۱۳۸
۱. نهایت زندگی.....	۱۳۹
۱۳. مکان و فضای جغرافیایی.....	۱۳۹
۱۴. کارکردهای خانواده.....	۱۴۰
۱۵. مراسم خانوادگی.....	۱۴۰
۱۶. دانش و شکاف.....	۱۴۰
۱۷. ازدواج مجدد.....	۱۴۱
۱۸. ارزش‌های خانوادگی.....	۱۴۱
۱۹. آسیب‌های اجتماعی.....	۱۴۲
منابع.....	۱۴۳

مقدمه

خانواده دیرپاترین نهاد اجتماعی است، نهادی که چنان تحولات عمیقی را به لحاظ ساختاری و کارکردی به خود دیده است که برخی را به بیان نظریه‌های زوال و یا تضعیف رو به رشد خانواده واداشته است. با مطالعه سیر تحول این نهاد کسی نمی‌تواند در مقابل ادعای کوچک شدن خانواده از ابعاد گوناگون مقاومت کند. اصولاً چنین مقاومتی برخاسته از عقل سلیم نیست. آن‌چه مسلم است خانواده در سیر تحولات خود به لحاظ ساختاری تغییراتی کرده است، به نحوی که از یک سو با خانواده کوچک شده و از سوی دیگر با اشکال جدیدی از خانواده مواجه‌ایم، این کوچک شدن نه فقط ساختاری بلکه کارکردی نیز پدیده است. به طوری که خدماتی که در گذشته این نهاد ارائه می‌داده است، اکنون از آن ستانده و به سایر نهادهای اجتماعی واگذار شده است. به عبارتی دیگر هرچه بر وسعت و ابعاد جامعه افزوده شده و ابعاد خانواده کاسته شده است. با این حال همچنان به مثابه پدیده‌ای «مقاوم» و نیز «ناظر بر» و «دندنامی» می‌کند (سگالن، ۱۳۸۰: ۱۳).

همه ما از خانواده تجربه حسی و نزدیکی داریم، در خانواده به دنیا آمده، پرورش یافته و به نوبه خود به آن وابسته هستیم. ما از آن زندگی می‌کنیم. بسیاری از ما از نزدیک برخی از تحولات خانواده را نیز تجربه کرده‌ایم. برخی مان از نزدیک دیده‌ایم و برخی مان از نسل‌های قبلی مان به واسطه شنیده‌ایم که چگونه خانواده از یک «واحد تولیدی» به «واحد مصرفی» تبدیل

شده است و یا چگونگی «خانواده‌ای چندنسلی» به قالب «خانواده‌ای تک‌نسلی» ریخته شده است. اما با همه تحولاتی که این نهاد در همه جوامع داشته است همچنان پابرجاست و تشکیل خانواده نه فقط در شرق که در غرب نیز عمدتاً ارزش اجتماعی تلقی می‌شود.

این نهاد که سرسختی‌های بسیاری در مقابل جامعه داشته و با سازگار کردن خود در مجموعه تحولات اجتماعی تا کنون به حیات خود ادامه داده است از نگاه اندیشه‌ورزان عرصه‌های گوناگون پنهان نمانده است. فیلسوفان، مورخان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و حقوق‌دانان به تأمل در شکل‌گیری، فرآیندهای درونی، ساختارها و کارکردها، ماهیت و جایگاه آن، نقش آن در فرآیندهای اجتماعی، مسائل درونی آن، تأثیرات بیرونی، قانونمند کردن حمایت از آن، رویه‌های حقوقی و... پرداخته‌اند. در این میان جامعه‌شناسان در مطالعات جامعه‌شناختی جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند. این مباحثات از یک سو خود مورد توجه دیگر اندیشه‌ورزان بوده و از سوی دیگر مبنای بسیاری از سیاست‌گذاری‌ها، حمایت و تقویت این نهاد اجتماعی قرار گرفته است.

جامعه‌شناسان خانواده را به مثابه یک مورد و نه به مثابه مقوله‌ای صرفاً تاریخی و یا موضوعی برای تنظیم چارچوب به معنای حقوقی مرتب بر آن و یا مقوله‌ای برای بحث‌های فلسفی، بلکه به مثابه نهادی اجتماعی می‌بیند که در حال حاضر دارای حیات و پویایی است و در رابطه‌ای دیالکتیکی با جامعه و سایر نهادها قرار دارد. می‌تواند موضوع مطالعات تجربی و غیرتجربی قرار گیرد. از این رو، درباره آن به تأمل نشسته و با مطالعه و تدارک دیده و در نهایت نظریه‌هایی را صورت‌بندی کرده‌اند. این نظریه‌ها در مجموع ناظر بر تحول اجتماعی، تحولات ساختاری و کارکردی هم به لحاظ درونی (خود خانواده) و هم به لحاظ بیرونی (تأثیرات و ارتباط با سایر نهادها و نیز کل) بوده است.

هر نهاد اجتماعی از یک سو در ارتباط با جامعه کل و از سوی دیگر در ارتباط با سایر نهادها قرار دارد. این ارتباط متقابل موجب می‌شود تغییرات جامعه در یکی، دیگری را نیز متأثر کرده و تغییراتی را در آن به وجود آورد. جامعه انسانی هیچ‌گاه ایستاده نبوده و در سیر تاریخی خود تحولات بسیاری را به خود دیده که این تحولات خود را در نهادهای اجتماعی بروز داده و خانواده نیز به مثابه کهن‌ترین نهاد اجتماعی این تغییرات را تجربه کرده است. با این حال هنوز هم شکل‌های گوناگونی از خانواده بالاخص شکل سنتی آن شامل خانواده‌های

گسترده، کلان‌ها و چندهمسری در جوامع مختلف مانند برخی از مناطق آسیا، امریکا یا اقیانوس آرام به جای مانده است. ولی در بیش‌تر کشورهای جهان سوم تغییرات گسترده‌ای در ساختار نهاد خانواده به وقوع پیوسته و با در حال وقوع است. «منشأ این تغییرات پیچیده است. اما چند عامل را می‌توان به عنوان عوامل به‌ویژه مهم در ایجاد این دگرگونی‌ها برگزید. این عوامل در درجه اول همانند دوره‌های پیشین در غرب شامل صنعت و زندگی شهری امروزی می‌گردد. به‌طوری که این تحولات حرکتی جهانی در جهت تفوق خانواده هسته‌ای ایجاد می‌کند و نظام‌های خانواده گسترده و انواع دیگر گروه‌های خویشاوندی را از هم می‌پاشند.» (گیدنز، ۱۳۷۳: ۴۲).

لذا در این مطالعه در خانواده را از جهات گوناگون می‌توان مورد بررسی قرار داد. ولی پرسشی که در اینجا امر و بیش‌تر به ذهن خطور می‌کند، این است که در شکل و صورت خانواده چه تغییراتی به‌وجود آمده است و آیا این تغییرات به انتهای خود رسیده و یا در قرن حاضر نیز خانواده متأثر از تحولات اجتماعی به لحاظ ساختاری و کارکردی همچنان در قبض و بسط خواهد بود؟

روابط موجود در خانواده قلمداد می‌شوند که تنظیم‌کننده جایگاه هریک از افراد خانواده و نوع چگونگی رابطه هر فرد با دیگر اعضا در خانواده است. بر این قواعد و یا هنجارها ارزش‌هایی حاکم است که در مجموع حدود و معیار خانواده را مشخص می‌کند. قطعاً تغییر در صورت و شکل خانواده متأثر از تغییر در هنجارها درون خانواده و حتی تغییر در ارزش‌های حاکم بر آن است. از این‌رو، ضروری است دریابیم در خانواده‌های ارزش‌ها و هنجارهایی حاکم بوده و اکنون دارای چه وضعیتی است و پیش‌بینی می‌شود این وضعیت چه سمت و سویی را برگزیند؟ آن‌چه مسلم است شاهد شکل‌گیری جایگزین‌هایی برای خانواده و خانواده (مانند کمون‌ها، زندگی مشترک و مجرد ماندن) خواهیم بود که ارزش‌ها و هنجارهایی برای تنظیم رفتار اعضای جامعه‌اند و نیز «تقریباً مسلم به نظر می‌رسد که همچنان انواع گوناگونی از روابط اجتماعی و جنسی پدیدار خواهد گردید» (همان، ۱۳۷۳: ۴۴). در کنار این پدیده‌ها خاسته از تغییراتی را به خود خواهد دید و به عبارتی دیگر با تغییر ارزشی و هنجاری در خانواده مواجه خواهیم بود، با وجود این هنوز هم برخی بر این رأی‌اند که این موارد نمی‌توانند «دال بر تغییرات سریع و وسیع در نقش خانواده در جامعه جدید باشد» (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۱۷). ولی همچنان

پرسش‌هایی وجود دارند که جامعه‌شناسان به مطالعه درباره آن‌ها رغبت نشان می‌دهند: این که تحولات ارزشی در سطح جامعه، چگونه خانواده را متأثر می‌کند و چه تغییراتی را در آن به وجود می‌آورد؟ آیا به واقع خانواده ساختاری در برابر جامعه است؟ و آیا نهادی است که جامعه به سختی می‌تواند در آن نفوذ کند؟ خانواده تا چه حد نفوذ جامعه را می‌پذیرد و آیا می‌تواند در مقابل هجوم تحولات اجتماعی مقاومت کند؟ آن گونه که برخی بر این رأی‌اند، آیا بقای خانواده با تهدید مواجه است؟ به عبارتی دیگر تحولات سریع اجتماعی آیا خانواده را چنان کوچک خواهد کرد که آدمیان بود و نبود آن را یکسان بینگارند؟

پایان به این می‌رسد که یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده در نقش‌های جنسیتی آن تمرکز یافته است و در حال حاضر نیز نهادها و سازمان‌هایی در حال رشدند که بر این نقش‌ها نیز دست‌اندازی کرده‌اند. در این زمینه خانواده چه جایگاهی خواهد داشت؟ نقش‌های جنسیتی چه تغییراتی را به خود دیده و کسان در چه وضعیتی است؟ بالاخص با ورود زنان به بازار کار و یافتن استقلال نسبی اقتصادی و به دست آوردن «موفقیت در زندگی شغلی» به مثابه یکی از آرزوهای بزرگ زندگی‌شان، توزیع نقش‌ها چگونه است؟ آیا مردان بیش‌تر از گذشته مسئولیت کارهای خانه و مراقبت از کودکان را به عهده می‌گیرند؟ گیدنز در پاسخ به این گونه پرسش‌ها معتقد است شواهد نشان می‌دهد «تغییرات به وجود آمده اما این تغییرات نسبتاً محدود بوده‌اند» (گیدنز، ۱۳۷۳: ۴۲۵).

وضعیت خانواده در ایران نیز متأثر از عوامل تغییراتی بوده است و به نظر می‌رسد که بخشی از تغییرات کلی مشاهده شده در ساختار خانواده در جوامع پیشرفته در ایران نیز به وجود آمده است و این تغییرات آثار و تبعات خاص خود را دارد به ویژه به احتمالاً سرعت تحولات مذکور در جامعه ایران حتی بیش از تحولات مشابه در جوامع غربی و میانه‌ای است. به همین دلیل تبعات ناشی از آن به گونه‌ای است که عده‌ای را در حسرت از میان رفتن دوره گسترده و تضعیف شبکه روابط خویشاوندان قرار داده درحالی که بخش مهمی از تحولات ساختار خانواده اجباری و ناشی از الزامات و هماهنگی با توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی است و دیگر نمی‌توان ساختار گذشته را زنده کرد اما می‌توان با شناخت ویژگی‌های خانواده در ایران به رفع نارسایی‌های ناشی از دوران گذار همت گماشت و با ایجاد نهادهای مکمل و اصلاح

این نهادها و نیز تغییر در حقوق خانواده برخی نارسایی‌های موجود این نهاد را از میان برد و کارکردهای مثبت آن را افزایش داد.

تاکنون مطالب بسیاری درباره خانواده منتشر شده است، این مطالب عمدتاً در قالب تئوریک و یا تاریخی سیر می‌کنند و کم‌تر به این نکته پرداخته شده که چگونه می‌توان مطالعات اجتماعی تبط با خانواده را سامان‌دهی کرد. به عبارتی دیگر، جای پژوهشی که از یک سو با نگاهی به ریه‌های مرتبط با خانواده و سیر تاریخی تحولات آن و از سوی دیگر با بهره‌گیری از مطالعات موردی و پژوهش‌های انجام‌شده به صورت‌بندی مفاهیم و گزاره‌های اساسی مطالعات این نهاد اجتماعی و جهت‌دهی عملیاتی‌شدن مفاهیم و گزاره‌ها بپردازند، خالی است.

مطالب حاضر به‌دام کوچکی برای پر کردن جزیی از این خلأ است. بدین لحاظ، در این مطالعه کوشیده شده تا به وجه کاربردی آن در مطالعات مربوط به خانواده تأکید بیشتری شود، این مطالعه در چهار بخش تقسیم شده است. در بخش اول به‌طور خلاصه به تحولات خانواده و دیدگاه‌های مربوط به جامعه و اساس خانواده نگاهی کلی انداخته شده است. در بخش دوم، وضعیت خانواده در جهان کنونی اشاره در نظام‌های پیشرفته به‌منزله چشم‌انداز احتمالی آینده نهاد خانواده در جوامع در حال توسعه ارزیابی شده است. بخش سوم وجوه خانواده در ایران معاصر با استفاده از پژوهش‌های معتبر موجود و داده‌های آماری قابل اعتماد توصیف شده است. در این بخش به‌جز پژوهش‌های موردی درباره خانواده کوشیده شده است که یافته‌های پیمایش ملی در سال‌های ۱۳۵۳، ۱۳۷۴ و ۱۳۸۲ مورد توجه بیشتری قرار گیرد. به‌علاوه، یافته‌های سرشماری‌های رسمی کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ نیز در کنار بخش‌های رسمی و معتبر در خصوص جامعه و ویژگی‌های خانواده ایرانی مورد استفاده قرار گرفته است. در بخش چهارم، مجموعه پرسش‌های بنیادینی که درباره خانواده و ابعاد آن در جامعه ما مطرح شده است، ارائه گردیده، تا براساس این مجموعه از پرسش‌ها، طرح‌های پژوهشی درباره خانواده طراحی و اجرا شود. البته ممکن است تمامی پرسش‌های ممکن و مفید در خصوص ابعاد مذکور در این بخش مطرح نشده باشد، که در این صورت در مرحله اجرایی پژوهش این پرسش‌ها و شاخص‌ها با دقت بیشتری معین خواهد شد ولی اجمالاً می‌توان مدعی شد که بخش اعظم وجوه خانواده در ایران و عناصر اصلی این وجوه در بخش چهارم به آن‌ها اشاره شده است.

اما در این میان از ذکر برخی از شاخص‌ها عمداً اجتناب شده است. برخی از این شاخص‌ها در شرایط کنونی جامعه ایرانی موضوعیت ندارد و بعید است که موافق یا مخالفی قابل عنایت (برحسب مورد) یا امکان طرح داشته باشد. مثلاً طرح مسائلی چون چندشوهری یا ازدواج با همجنس از این مقوله‌اند، برخی دیگر از شاخص‌ها نیز گرچه مهم‌اند ولی به دلایل خاص اجتماعی و نیز احتیاط اجباری از طرح آن‌ها خودداری شده است. از جمله مسائل مربوط به امور جنسی و روابط زن و شوهر در این زمینه و مسائلی از این قبیل که متأسفانه به دلایل خاصی در ایران از حوزه سنجش امور اجتماعی خارج شده‌اند هرچند به احتمال فراوان از اهم مسائلی است که در روابط انوائسی تأثیر جدی می‌گذارند، به‌ویژه با تابوشدن بحث درباره آن و عدم آموزش مناسب و نیز انتقادات زن و مرد از یکدیگر در این مورد می‌توان حدس زد که مشکلات در این زمینه بیش از آن است که بس از این نیز عمداً مغفول واقع گردد، علی‌هذا اگر شرایط لازم یا اراده کافی برای تحقیق در این زمینه وجود آمد، می‌توان پیشنهاد کرد که یک پژوهش مستقل و جامع درباره این موضوع انجام گیرد.

نکته قابل ذکر دیگر این که طرز برپا برداشتن پژوهشی درباره خانواده و براساس نکات مطرح شده در بخش چهارم، الزاماً به یک شیوه نخواهد بود. این پژوهش‌ها برحسب ابعاد مورد نظر می‌توانند پیمایشی یا تکنگاری یا مردم‌نگارانه، یا آماری و تحلیل ثانویه یا تکیه بر نتایج آماری و پژوهش‌های دیگر باشد، حتی در مورد تحقیق پیمایشی نیز می‌توان فرد یا زن و شوهر یا خانواده و یا حتی روستا را واحد تحقیق گرفت و از این جهت در اجرای پژوهش در زمینه ابعاد مذکور وجود ندارد.